



یک سال گذشته به همه ثابت شد کنترل اتاق فرمان دست ما نیست

فرار به سوی خدا

آن روزها، دعای هر سحر و هر افطارمان خلاصی از بند این هیولای بی اعتقاد به خانواده بود و در صحبت های هر دیدار بیواشکی و غیربیواشکی مان با اقوام و غیراقوام، با نگاه هایمان به یکدیگر داد می زدیم که عاجزیم، در برابر اراده آن بالایی. ولی می دانی چه شد؟ قصه آن قدرها هم که باید و شاید خوب پیش نرفت. کم کم عادت آمد و جایگزین انس شد. ما که آن روزها انس بیشتری به خدا پیدا کرده بودیم. مثلاً خود ما ریا نشود نمازهایمان را در ماه رمضان در خانه به جماعت می خواندیم. کم کم به این اوضاع عادت کردیم و با خودمان گفتیم ای بابا انگار چیزی درست بشو نیست، بیایید برگردیم به همان نسخه قبلی. انگار ویندوزمان با آپدیت جدید سازگار نبود و برای کار کردن با سیستم ماهوی و وجودی مان، باید به نسخه قبلی ری استور می شدیم. فرصت را القصة مغتنم نشمردیم. سکوی پرش را دیدیم و ترجیح دادیم به جای پریدن، از کنار سکو قدم زنان بگذریم. امسال شرایط هنوز همان است که بود، ماه رمضان هم که در راه است مثل همیشه مهمانی خداست و درهای رحمت باز و دست های شیطان بسته. این دفعه قرار است قدر بدانیم و با خدایی که صاحبخانه است، با خدایی که کنترل را دستش گرفته و تلویزیون را به هر کانالی که خواهد برد و گر مهمان جامه بر تن درد، مانوس تر شویم، عاجزتر از سال قبل در آغوشش برویم و بیشتر قدر بدانیم، یا نه؟ قرار است در قید و بند عادت ها اسیر بمانیم؟ اصلاً آن وقت هایی که کرونا هم نبود (چقدر گذشته از آن روزهای بی کرونا! چقدر زمان مساله لاینحل عجیبی است!) ما به همین روال سحری خوردن و گرسنگی و تشنگی کشیدن و افطار کردن عادت کرده بودیم. درهای رحمت هم باز بودند و بر سرمان می بارید اما ما باز هم بعد از عید فطر همانی بودیم که بودیم. چقدر روزه خواندم و وعظ گفتم. پناه بر خدا. من کجا و وعظ شما عزیزان کجا؟ اینها را برای تذکر خودم گفتم. اصلاً فکر کنید ربه آینه دارم حرف می زنم. آقای نویسنده این متن! بیا و امسال را درگیر عادت های هر ساله نشو، بیا امسال را انس بگیر. کرونا غول ترسناکی برای فرار کردن است، به سوی خدا فرار کن.

خانه ما ویلایی نیست اما حیاط کوچکی دارد. دو دیوار آن را شاخ و برگ درختان خانه های همسایه ها در آغوش کشیده اند. دو سه چراغ کوچک دارد. برای روشن شدن به قدر یک افطاری دوسه خانواده ای کافی است. سال قبل این موقع ها هنوز از تب و تاب کیک پزی دخترها و تراشیدن موی سر پسرها خارج نشده بودیم و البته هنوز محدودیت ترددی نداشتیم. چیزی که داشتیم کرونا بود و دلتنگی ناشی از قرنطینه و ندیدن عزیزان. هنوز اندازه این روزها شجاعت نادیده گرفتن قوانین و قواعد را نداشتیم و خیلی رعایت می کردیم که حتماً کمتر از خانه خارج شویم، دست هایمان را ۲۰ ثانیه بشویم، الکل استفاده کنیم و خلاصه خیلی مواظب باشیم. آن حیاطی که گفتم، مامن آن شب های ما بود. فرش کوچکی یک گوشه آن پهن کرده بودیم و دو سه صندلی هم اطراف آن گذاشته بودیم. گاهی، با رعایت تمام احتیاط ها و نگه داشتن همه جوانب امنیتی، مهمانی به خانه ما می آمد و چند دقیقه ای هم را می دیدیم. حال و هوای آن روزهای همه مامعنوی تر بود. نعمت هایی را از دست داده بودیم که قدر آنها را پیش از این برای عجیب و غریب نمی دانستیم. آدم اساساً هنگام غم و ابتلا، به خصوص اگر از جنس فقدان باشد، احساس قربایت بیشتری به بارگاه باری تعالی دارد. حالا فکر کن وسط مهمانی اش هم باشی. توکل مان بیشتر بود آن روزها و امیدمان. داشتیم به چشم خودمان می دیدیم که کنترل تلویزیون این دنیا دست هر که باشد دست من و تو نیست و آخرش هر قدر هم التماسش کنی بزن شبکه سلامت، می زند شبکه مستند و از بقا نشانست می دهد و در لفافه حالی ات می کند که این برنامه اتاق فرمان دارد. این چیزها را که می بینی یک مقدار ایمان و اعتقادات سیر صعودی پیدا می کند و کمتر دست و پا می زنی، بیشتر سعی می کنی قواعد بازی را کمتر به هم بزنی، برگردیم سر سفره مهمانی. سعی می کنی نزدیک تر به صاحبخانه بنشینی.



محمد رضا معلمی
نویسنده



بیا و امسال را درگیر عادت های هر ساله نشو، بیا و امسال را انس بگیر. کرونا غول ترسناکی برای فرار کردن است، به سوی خدا فرار کن

لبخند رضائی با کتاب!



حسام آفَنوس
دبیر قفسه کتاب

کرونا دومین ماه رمضان همراه با کرونا هم از راه رسید. سال قبل همین روزها بود که با خودمان می گفتیم ماه مبارک تمام شود از شر این ویروس و عواقبش رها شده ایم و بعد از آن با خیال راحت به زندگی مان ادامه می دهیم. ولی زهی خیال

باطل!

حالا دومین ماه رمضان کرونایی هم از راه رسید و ما به زندگی کرونایی خو گرفته ایم و نه تنها پذیرفته ایم که باید با آن زندگی کنیم بلکه گاهی در برابرش کوتاه می آییم و خیلی سر به سرش نمی گذاریم. کرونا سبک زندگی ما را تغییر داده و البته این حرف تازه ای نیست، حالا باید یک رمضان دیگر را زیر سایه سیاه کرونا سر کنیم و بیشتر در خلوت های خود بمانیم. البته این خیلی هم بد نیست که به حساب خودمان برسیم و کمی به احوالات دلمان رسیدگی کنیم و آن را از اغیار تهی کنیم تا پذیرای ورود یار باشد. در این ماه مبارک که فرصت دیگری برای تجدید رابطه با خداست، می توانیم از موقعیت هایی که ممکن است دست بدهد، برای کسب معرفت استفاده کنیم.

کتاب خواندن اولین توصیه ما برای کسب معرفت است هر چند می توان با رفتن و تماشا کردن، مسیر بیشتری را طی کرد به جای این که لایه لای اوراق کتاب ها بود؛ ولی هنوز با وجود پیشرفت های تکنولوژیک باز هم کتاب ها بهترین ابزار برای کسب معرفت هستند چرا که در آنها تمرکز در بالاترین میزان خودش است در حالی که در ابزارهای جدیدتر تمرکز کمتر شده است. نکته دیگر که باید یادآوری کنیم این است که در این روزها همانطور که همه می دانیم به دلایل مختلف سبب معیشتی مردم محدود و سفره های آنها کوچک تر شده و سهم کمتری از رفاه می برند؛ طبیعتاً با این وصف به خصوص در این ماه عزیز، چشم های بسیاری به دستان اهل کرم است پس بیایید شما هم مقداری از هزینه کتاب هایتان را برای این که این چشم ها ناامید نمانند برای امر خیر هزینه کنید.

کتاب را همیشه می شود خرید و خواند، ولی در این ماه بسیاری از هموطنان ما، از حداقل های یک افطار یا سحر ساده هم بهره مند نیستند و می توان با همین هزینه های اندک لبخند بر لبان روزه دارشان نشانند و دستی گرفت.

در این وضعیت باید خودمان به داد خودمان برسیم، قبل از این که غم تنهایی کسی را بشکنند، پس این ماه هزینه کتاب اضافی مان را تبدیل به لبخند کنیم.

برگ سبز سواری پراید جی تی ایکس آی
رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ شماره موتور
3452668 شماره شاسی S1412289465759
شماره پلاک ۷۶۵ س ۲۶ - ایران ۴۶ به نام
هادی محمدزاده بوساری مفقود گردیده و
فاقد اعتبار است.

آگهی روزنامه موسسه انقلاب
ورزش صفاهان به شماره ۴۰۴۳
جهت هرگونه فعالیت ورزش و
تاسیس باشگاه ورزشی مفقود
شده است.

سند کمپانی و برگ سبز و کلیه مدارک سواری
پارس خودرو برلیانس H330AT مدل ۱۳۹۵ رنگ
سفید روغنی شماره موتور BM15LF069761
شماره شاسی NAPH330ABG1012573
پلاک ۴۶۶ ق ۳۱ - ایران به نام حسین حریری
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی، برگ سبز و کارت خودروی کامیون
کمپرسی ایسوزو تیپ NPR70L مدل ۱۳۸۶
رنگ سفید روغنی به شماره موتور 548136
شماره شاسی NAG086NPRF07047 به نام
فاطمه عباسی مفقود گردیده و از اعتبار
ساقط است.

شناسنامه خودرو پراید مدل ۱۳۸۸ به رنگ
سفید به شماره انتظامی ایران ۱۳-۲۱۵۶۲
شماره موتور 2884400 شماره شاسی
S1412288240476 به نام روح اله ایکدر
باصیری مفقود و فاقد اعتبار می باشد.